وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست و هفتم | چهارشنبه ۲۲ میزان ۱۳۸۳ | ۲۹ شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 13 October 2004

سرمقاله

انتخابات راهی به سوی ثبات و امنیت

ص۲

دربار شاه در کمند اسپ ها!

سخنی در باب آسیب استبداد برجامعهٔ ما

ص۳





نخستین انتخابات





اشتراک گستردهٔ مردم واعتراض کاندیداهای ریاست جمهوری

ساعت هفت صبح روز شنبه ۱۸ میزان ۱۳۸۳ انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در هشت حوزه و پنج هزار مرکز با حضور چشمگیر مردم آغاز گردید. این انتخابات در نقاط مختلف افغانستان صورت گرفت. مردم با وجودی که در بعضی از مناطق از تهدیدات طالبان و القاعده در هراس بودند در صفوفی منظم و با هم پیوسته به طرف مراکز رأی دهی رفتند در شهر کابل تا نزدیک ظهر صف های طولانی مردان و زنان در مقابل مراکز رأی دهی که غالباً در مکاتب و مساجد شهر قرار داشت تشکیل گردید. گشت و گذار در این روز کاملاً اندک بود و اکثر مردم در مراکز رأی دهی دیده می شدند تا به شخص مورد نظر خود رأی بدهند. انتخابات نه تنها در افغانستان که در کشورهای پاکستان و ایران نیزدر بین مهاجران برپا شده بود و علی رغم تهدیدهای پیهم مخالفان دولت از شور و گرمی زیادی برخوردار بود.

بعضی از مراکز رأی دهی در شهر کابل ساعتی بعد تر از موعد معین به کار خود آغاز کردند. به قطار رأی دهندگان لحظه به لحظه افزوده می شد و این حالت سبب شد تا مردم بیشتر منتظر بمانند و تعدادی از آنها بدون رأی دهی محل اخذ رأی را ترک کنند.

قرار بود جریان رأی دهی تا ساعت ۴ عصر پایان یابد اما نسبت ازدحام رأی دهندگان تا دو ساعت دیگر نیز تمدید گردید.

موضوعی که باعث نگرانی مردم شد شکایتی بود که ساعاتی ص۷

ولس مشر کرزي

پر ټول ټاکنو انتقاد رد کړ

ولس مشر کرزي يو ځل بيا دشنبې په ورځ دولس مشرۍ پر ټاکنو انتقاد رد کړ او وي ويل:

له دې خبرې پرته چې ځوک به دا ټاکنې وګټي بايد دي ته ديوه لوي بري په توګه وکتل شي.

ده له بي بي سي سره په يوه مرکه کې دغه ورځ له اوږدو ځنډو څخه د افغانانو د راوتلو ورځ وبلله زياته ني کړه دا د افغانانو لپاره دبري وخت دې افغانانو په ترهګرو بري ترلاسه کړ دا دهغو کسانو په وړاندې کاميابي ده چې ويل ني افغانان دا کار نه شي کولای.

ده دنورو کانديدانو لخوا له انتخاباتو سره د بايکاټ غندنه وکړه زياته ني کړه: چې دې انتخاباتوته بايد د يوه لوي بري په توګه وکتل شي.

انتخابات ریاست جمهوری

حضور گستردهٔ مردم با ناهنجاری های اداری

ص۳



دکتر حیات الله



دکتر خالد

انتخابات هجدهم میزان از دیدگاه شهروندان کابل

هجدهٔ میزان سال ۱۳۸۳ یکی از روزهای تاریخی در تاریخ معاصر افغانستان به حساب می آید. دراین روز مردم افغانستان توانستند برای اولین بار به پای صندوق های رأی بروند تا رئیس جمهور آیندهٔ خود را تعیین کنند.

مردم درمورد این روز نظریاتی متفاوت دارند، برخی ها روند انتخابات را خوشبینانه بررسی می کردند، عده یی از ناحیهٔ امنیت نگران بودند وگمان می بردند که شاید طالبان والقاعده تشنج ایجاد نمایند و همچنان برخی ها موارد دیگری را به انتقاد می گرفتند. ص۷



خلیل الرحمن



حشمت الله

له راتلونکي ولسمشر څخه دملت غوښتنې

داسې ځرګنديږي چې درې اوونۍ وروسته به دولسمشرۍ دټولټاکنو نتيجې ځرګندې شي او هغه ځوک به له مسئوليت نه ډک په دغه مقام کښيني چې اولس پرې باور کړې وي. د اولس پراخو پرګنو ته ملي او ښاغلي وي خو اولسمشر ته څه په کار دي چې بايد څه وکړي؟

لومړې خو دافغانستان ټولنه يوه اسلامي ټولنه ده، او په دې ټولنه کې چې هرڅه کيږي هغه بايد د اسلامي قوانينو او دشرعيت له احکامو سره سمون ولري، زموږ دملي منلو دودونو او افغاني فرهنګ سره سمون ولري نه داچې له لويديځو هيوادو څخه صادرې شوې مفکورې، صادر شوې ۸ مخ

انتخابات حضور مردم و توقعات

ص۲

په ارزګان کې

۲۵ تنه دبمباری له امله و وژل شول

د بي بي سي د راډيو خبريال په وينا: د ارزګان ولايت د چارچينو پر ولسوالي دائتلاف دقوا د بمبارۍ له امله د دغې سيمې خلکو له مرکزي دولت څخه غوښتنه کړې چې دپېښې په اړوند دې له مرکز څخه يو هيئت دغې سيمې ته ورولېږل شي. د دغو بمباريو د اوښتو زيانونو په باب بيلابيل رپوټونه ورکړل شوي دي، دسيمې خلکو د بي بي سي سيمه ييز خبريال ته ويلي 14 تنه چې ښځې او ماشومان په کې دي وژل شوي دي. خو د ارزګان والي د وژل شويو شميره پنځه ويشت تنه بولي او واني چې يو تن ني ملکي او نور ټول طالبان وچې په پېښه کې له منځه تللي دي.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

انتخابات راهی به سوی ثبات و امنیت

انتخابات ریاست جمهوری پل گذر به سوی ثبات و امنیت پایدار در افغانستان در سازشنامهٔ بن مشخص شده است و ادارهٔ مؤقت و دولت انتقالی اسلامی افغانستان چنان که از نامهای آنها پیداست در این توافقنامه به عنوان مراحل گذار از بحران به سوی ثبات دانسته شده است.

حضور چشمگیر مردم در سراسر افغانستان در مراکز رأی دهی از همین جا ناشی می شود که مردم می خواهند با حضور خود و ریختن رأی شان در صندوق ها پایه های ثبات و امنیت را که افغانستان و مردم آن بدان شدیداً نیازمندند پی ریزند.

حضور گرم مردم در مراکز رأی دهی اسباب و انگیزه هایی فراوان دارد ولی از مهمترین آنها همین خواستن همگانی ثبات و امنیت است؛ چون مردم افغانستان با تجارب تلخ خویش در طی دهه های بحران حاد و سالیان پیشین آن به خوبی دریافته اند که بدون ثبات سیاسی و امنیت نمی شود چشم به هیچ کار سازنده و به هیچ آرمان بلند دوخت و این ثبات و امنیت مأمول را هرگز نظام های دکتاتور و مستبد نمی توانند به وجود بیاورند. ثبات و امنیت سالیان پیش از بحران ثبات و امنیت کاذب بوده، محصول استبداد و خودکامگی که در بطن خود بی ثباتی و خشونت وبحران های پسین را پرورده است.

ما از گذشته های دور برای زدودن این عوامل بحران و بی ثباتی بر ضد نظام های توتالیتر وخودکام مبارزه کردیم و برضد اشغالگری ونظام دست نشاندهٔ آن به جهاد برخاستیم تا زمینهٔ آن فراهم آید که مردم خود در تعیین سرنوشت خویشتن تصمیم بگیرند. این باور ما بوده است که تنها نظام های مبتنی بر شورا و آرای مردم را در کشور مشروع بدانیم وموجب ثبات و عدالت اجتماعی. واین دید با روح آموزه های دینی ما همخوانی دارد. بسیاری از کشورهای جهان نیز جهت دست یافتن به ثبات و امنیت پایدار و رفتن به سوی بالندگی و توسعه در جامعه های شان به آرای مردم از راه انتخابات و دموکراسی روی آورده اند.

لذا ما برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در هجدهٔ میزان وحضور گستردهٔ مردم در آن را یک گام بسیار متین و مثبت در راه ثبات و توسعهٔ افغانستان می دانیم. و این سخن به یقین به این معنی نیست که این انتخابات از هر لحاظ خالی از نقص و کمبود بوده است. بی تردید به عنوان نخستین تجربه نقص ها وکمبودهایی داشته است که باید آنها برای احتراز از تکرار ثبت شود. همهٔ شکایات واعتراضات کاندیداهای ریاست جمهوری مورد توجه مسؤولان ملی و بین المللی برگزاری انتخابات قرار گیرد و هیچ سنتی سینه در زمینهٔ برگزاری انتخابات جای نیفتد، لذا ما جداً از درخواست برخی از کاندیداها جهت تشکیل یک کمیسیون بی طرف بین المللی برای رسیدگی به شکایات آنان در موارد نقض قانون و تخطی در کار انتخابات پشتیبانی می کنیم و آن را برای حفظ شفافیت و مصداقیت انتخابات عادلانه ضروری می دانیم و در ضمن از همهٔ کاندیداهای محترم می طلبیم که از خویشتن داری وحوصله مندی در طرح خواسته های خود کار بگیرند وکل روند انتخابات را مورد سؤال قرار ندهند. زیرا این کار مخالف اهداف این انتخابات ثبات و امنیت ومخالف آرمان های مردم است.

انتخابات
حضور مردم و توقعات

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

هژدهٔ میزان ۱۳۸۳ یکی از روزهای ماندگار در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان است، روزی که مردم با گذر از مراحل استبداد ستیزی، اشغال ستیزی و مقاومت مردانه در برابر تروریزم و سیاه اندیشی از همه بازی های مردم فریبانه که به نام این ملت وبا مصرف واژه های "مردم" و "حکومت مردم" و "دفاع از حقوق مردم" صورت گرفته بود، بار دیگر - همان سان که با حضور جانبازانهٔ خویش در معرکه های آزادی، استقلال و دفاع از کرامت انسانی و آبروو حیثیت شان، سنگر های عزت و شرف را ، آباد و گرم نگه داشتند- درکارزار سیاسی جدید هم مشتاقانه و باشور و شوق فراوان حضوریافتند، تا با این حضور خود، عملاً بگویند که تنها آنانند که فیصله و قرار نهایی را می گیرند. یقیناً فرایند انتخابات و گزینش رهبر و زمامدار، با وصف آن که ریشه های بس عمیق و ژرفی در آموزه های دینی و فرهنگ تاریخی این کشور دارد، باز هم در دوران جدید، دورانی که شعار مردم سالاری و دموکراسی کالبد زندگی توده های لگدمال ستم های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را روح تازه بخشیده است، تجربه یی است سراپا نو و تازه در حیات سیاسی مردم ما، تجربه یی که ملت ما می خواهد عملاً به همه شخصیت های حقیقی وحکمی که در پی گسترش و نفوذ قدرت سلطه جویانهٔ خویش در نقاب جدید آن هستند، بگوید که دیگر نمی توانند خود سرانه با سرمایه های مادی و معنوی این ملت بازی کنند و خود ها را غیر مسؤول و واجب الاحترام رقم زنند .

برخورد واقعبینانه با بحران های بی اعتمادی، تنش آفرینی و بی ثباتی. باید از طریق ایجاد زمینه های حضور دلخواهانهٔ مردم، جامهٔ تحقق بپوشد که بدون شک آماده سازی چنین زمینه ها جز از راه حرکت سازگار با باورها واعتقادات سازندهٔ مردم نمی تواند میسر گردد.

آری! این انتخابات که صفحهٔ نوی را در تاریخ زندگی سیاسی این ملت گشوده است، می توان آن را در دو چهره به نمایش گذاشت.

یکی چهرهٔ نمایشی آن که تا کنون به گونه یی بس گسترده در بسا کشور های شرقی و آسیایی به ویژه کشور های اسلامی مورد استفاده و بهره جویی قرار گرفته است. چنان چهره یی ابزاری که مردم بنام "مردم" و "حکومت مردم" سرکوب گردیده اند، باور ها و اعتقادات آنان به بازی گرفته شده است و حقوق انسانی شان لگدمال آز وهوای استمرار و تداوم حکمروایی فلان خاندان و بهمان قبیله وقوم قرار گرفته است، چهره یی که می توان به آن ابزار جدید دیکتاتوری نام نهاد.

دوم چهرهٔ واقعی انتخابات است که مردم آگاه و آبدیدهٔ ما در کوره های رستا خیز سرنوشت ساز اسلامی خویش، از آن به گونهٔ یک ابزار تعیین سرنوشت و احقاق حقوق حقهٔ خود بهره می جویند و در بازی جدیدی که زیر عنوان دموکراسی به راه افتیده است از آن استفاده می برند.

انتخابات در این چهرهٔ خود که ابزاری است برای تعیین سرنوشت ملت بازگو کنندهٔ این امر است که مردم خود مشروعیت بخش زعامت ها هستند و همین مردمند که مانع خود کامگی واستبداد بوده و خودکامگان را بر سرجای شان می نشانند.

و اما در مورد این حضور گسترده و مشتاقانهٔ مردم به چند عامل می توان توجه کرد:

- مردم با این حضور گسترده و دلخواهانهٔ خویش ثابت کردند که تحقق شعار صلح وعدالت، امنیت و آرامی و آزادی و آبادی بسته به مشارکت مردم است. همین مردمند که مفاهیم انسانی یاد شده را در واقعیت زندگی پیاده می کنند و از آن پاسداری می نمایند.

در غیر آن این کارها همه شگردهایی خواهد بود، فریبنده و اغوا گرانه وپرده پوشانه برکارکردهای سلطه جویانهٔ افرادی در امر حکومت داری و...

ناگفته نباید گذاشت که این مشارکت سیاسی در زندگی ملت ما نه تنها یک امر علمی و آرمانی که اصلی است اعتقادی برای این مردم که آیت ۲۵ سورهٔ حدید آنجا که می گوید: "ما پیامبران خود را با نشانه ها فرستادیم و با آنان کتاب و میزان(قانون وعدالت) را فرود آوردیم تا مردم به تطبیق عدالت وقسط بپردزاند

اسلام بوده است که در درازای تاریخ این کشور باعث سرفرازی ملت ما در همه آزمون های تاریخی شده و پوز ابر قدرتان شکست ناپذیر سده های نزده وبیست را به خاک ذلت مالیده است

- مردم با این حضور خود این حقیقت را بازگو کردند، که هیچ فرد و گروهی نمی تواند خود سرانه سرنوشت آنان را به دور از مشارکت مستقیم شان رقم زنند ونیز با این کار کرد خویش نقطهٔ پایانی گذاشتند بر همه سناریوهایی مردم فریبانه که با کار برد ومصرف واژه های مردم سالاری وحکومت برای مردم صورت گرفته و می گیرد.

- موضع گیری آگاهانه و مسؤولانهٔ رهبران جهاد که با حضور و سهمگیری فعال و ملموس خویش در آزمون های بزرگ تاریخی دفاع از دین و وطن و آزادی واستقلال کشور در پهلوی مردم و شریک رنج ومحنت آنان بودند نیز از عوامل مهم این حضور دلخواهانهٔ مردم به حساب می رود که نمی توان آن را نادیده گرفت.

واما توقعات مردم؟

اکنون که مردم با چنین حضور گستردهٔ خویش در تجربهٔ جدید انتخابات شرکت جسته و بر مشروعیت زعامت پنج سالهٔ کشورشان صحه گذاشتند نخستین توقع وچشم داشت آنان از رهبر انتخابی شان این است که باید مشارکت مردم در تعیین سرنوشت شان را در اولویت های کاری خود قرار دهد و واقعاً به آن ایمان ویقین ورزد وهمین ایمان به مشارکت مردم است که مژدهٔ صلح وثبات و ختم تنش و بحران را می دهد و افق نوی از امید وآرمان را در برابر دیدگان مردم رنجدیدهٔ ما می گشاید.

اگر ما واقعاً خواهان آرامی واستقلال وصلح و ثبات هستیم باید با قضایای ملی خویش برخورد واقعبینانه داشته باشیم.

برخورد واقعبینانه با بحران های بی اعتمادی، تنش آفرینی و بی ثباتی. باید از طریق ایجاد زمینه های حضور دلخواهانهٔ مردم، جامهٔ تحقق بپوشد که بدون شک اماده سازی چنین زمینه ها جز از راه حرکت سازگار با باورها واعتقادات سازندهٔ مردم نمی تواند میسر گردد. این عدم توجه به باورها واعتقادات مردم خود سدی منیع است در راه رسیدن به هدف حضور مشتاقانهٔ مردم در کارزار تأمین امنیت وشگوفایی و آبادی.

بدون شک مردم ما باورمند به اسلام بوده واسلام عنصر اساسی و جانمایهٔ هویت آنان را تشکیل می دهد و همین اسلام بوده است که در درازای تاریخ این کشور باعث سرفرازی ملت ما در همه آزمون های تاریخی شده و پوز ابر قدرتان شکست ناپذیر سده های نزده وبیست را به خاک ذلت مالیده است.

مردم با این حضور مخلصانهٔ خویش در امر انتخابات متوقعند که باید از کامروایی ها و ناکامی های دوران گذشته ره چراغی در مسیر آیندهٔ خویش قرار دهیم تا از سر افگندگی های گذشته در برابر مردم با وفای خود در امان باشیم.

هرکه نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد زهیچ آموزگار

ص۳

انتخابات ریاست جمهوری ۱

انتخابات حضور گستردهٔ مردم با ناهنجاری های اداری



محمد نسیم فقیری

مردم ما با تحمل مشقات و سختی های طاقت فرسای چندین ساله و با عطش فراوان به صلح، امنیت، آرامش و آسایش در انتخابات شرکت نمودند زیرا گمان می نمایند که با برگزاری انتخابات و برقراری جمهوری اسلامی و داشتن رئیس جمهور منتخب، رنج ها، مصیبت ها ومحرومت های دیرپای آنان پایان خواهد یافت

روز ۱۸ میزان یک روز بسیار مهم در تاریخ معاصر افغانستان است. دلایل اهمیت این روز بزرگ و تاریخی را می توان چنین برشمرد:

۱- برای نخستین بار در تاریخ کشور، به فرد فرد ـ واجد شرایط ـ این سرزمین فرصت داده شده تا از حق رأی خویش استفاده کنند و رئیس جمهور کشور را انتخاب نمایند.

۲- برخلاف تصور و توقع همگان ـ در داخل و خارج کشور ـ مردم ما به صورت وسیع و گسترده در این انتخابات شرکت ورزیدند و نا باوری ها را به یقین کامل مبدل نمودند.

با وجود تهدیدهای پیهم دهشت افگنان ومخالفان مسلح، انتخابات ریاست جمهوری بدون کدام حادثهٔ مهم و بزرگ، به فضل واحسان الهی برگزار گردید.

از یک طرف تروریست ها وخرابکاران نتوانستند تهدیدهای شان را عملی نمایند و از سوی دیگر کاندیداهای مخالف رئیس دولت که از همان آغاز خواهان استعفای او بودند و در مورد منصفانه و آزاد بودن انتخابات شک وتردید هایی داشتند، جریان انتخابات را اخلال ننمودند و در نتیجه این روز مهم و تاریخی بدون کدام حادثهٔ بزرگ، خشونت و یا آشوب سپری گردید.

دلایل و انگیزه های شرکت گستردهٔ مردم در انتخابات

شرکت وسیع وگستردهٔ مردم در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برای اکثریت قریب به اتفاق تحلیل گران - داخلی و خارجی ـ اوضاع افغانستان حیرت آور وباور نکردنی بود.

تصور می شد که عامهٔ مردم فقط ارباب قدرت و دسته های خارجی را بازیگر اصلی در شکل گیری تحولات سیاسی ونظامی می پندارند و با این درک وبرداشت به قضایا نگاه می کنند. بنا بر این علاقهٔ چندانی به انتخابات نشان نخواهند داد و آن را نمایشی بیش نخواهند دانست! ولی حضور گسترده و چشمگیر مردم در حوزه های رأی دهی، تصورات و پندارهای یاد شده را غلط ثابت نمود و بیداری سیاسی آنان را به نمایش گذاشت.

دلایل و انگیزه های شرکت مردم در انتخابات را می توان به صورت زیر ردیف نمود:

۱- این اولین باری بود که در طول تاریخ چند هزار سالهٔ افغانستان، مردم توانستند که جهت انتخاب رئیس جمهور و زعیم سیاسی کشور، آرای خویش را به صندوق های رأی بریزند.

در گذشته ها نظام های شاهی بر سر اقتدار بود که به صورت ارثی و یا با قهر وغلبه روی کار آمده بودند و آنچه که به نام جمهوریت در ۱۳۵۲ ظهور نمود، کودتای خاینانهٔ نظامی بود که دشمنان مردم در آن نقش اساسی داشتند وفاجعه های ۷ ثور ۵۷ و ۶ جدی ۵۸ و تباهی ها و ویرانی های زادهٔ این فاجعه ها نیاز به گفتن ندارد.

فقط در سال ۱۳۷۱ بود که رئیس جمهور با رأی غیر مستقیم مردم و توسط شورای حل وعقد انتخاب گردید.

بنا بر این در انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ میزان، فرد فرد ملت ما با احساس شخصیت و غرور به پای صندوق های رأی رفتند و باور نمودند که آن ها هم کسی اند و دارای نقشی! مردم افتخار می کردند که برای اولین بار از یکا یک آن ها در مورد انتخاب رئیس کشور پرسیده می شود و رأی آن ها در تعیین سرنوشت شان دارای اهمیت و ارزش است و به حساب گرفته می شود.

> **شرکت وسیع وگستردهٔ مردم در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برای اکثریت قریب به اتفاق تحلیل گران ـ داخلی و خارجی ـ اوضاع افغانستان حیرت آور وباور نکردنی بود**

مردم به خود می بالیدند که صرف نظر از موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وسطح دانش وشغل و پیشه و یا زن و مرد، بودن می توانند به صورت برابر در این پروسه سهم بگیرند و یک نفر را برای رهبری کشور برگزینند!

۲- مردم ما با تحمل مشقات و سختی های طاقت فرسای چندین ساله و با عطش فراوان به صلح، امنیت، آرامش و آسایش در انتخابات شرکت نمودند زیرا گمان می نمایند که با برگزاری انتخابات و برقراری جمهوری اسلامی و داشتن رئیس جمهور منتخب، رنج ها، مصیبت ها ومحرومیت های دیرپای آنان پایان خواهد یافت و این سعادت را مانند سایر مردم دنیا به دست خواهند آورد که در رفاه و آسایش و در امنیت و آرامش به سر ببرند.

مردم ما می پندارند که راه رسیدن به این رفاه وسعادت از ایستگاه های انتخابات وتشکیل مؤسسات مدنی استوار بر مبانی دموکراسی می گذرد و در پی انتخابات است که صلح و امنیت تأمین و آرامش و آسایش ممکن ومیسر می گردد. کمک های وعده داده شدهٔ دنیا سرا زیر می شود. اکثریت قریب به اتفاق مردم ما گمان دارند که انتخابات ریاست جمهوری نخستین گام به سوی رسیدن به رفاه و آرامش است. مردم ما که طی سال ها زجر کشیده و رنج برده اند به خوبی می دانند که فقط جنگ و نا امنی عامل فقر، تهی دستی وپسمانی آنان نبوده است. زیرا در دوران طولانی رژیم سلطنتی که آرامش و امنیت بر قرار بود وجنگ و درگیری وجود نداشت ولی از رفاه و آسایش خبری نبود و با سختی ها ودشواری های فراوان زندگی مواجه بودند.

سقوط رژیم سلطنتی و رویکار آمدن نظام به ظاهر جمهوری و در ادامهٔ رژیم های مدعی حقوق خلق و با شعار نان، لباس ومسکن، به رهایی مردم از فقر، مرض، درماندگی وبیچارگی کمک نمود بلکه فاجعه و مصیبت های بی شماری را به بار آورد وسال های جنگ و تجاوز خارجی به میزان رنج ومشقت آنان افزود.

مردم ما فکر می کردند که با خروج نیروهای متجاوز شوروی و پیروزی مجاهدین به همهٔ رنج ها و مصیبت های آنان نقطهٔ پایانی گذاشته خواهد شد و دنیا که از جهاد مردم علیه تجاوز شوروی حمایت می نمود به حکومت مجاهدین نیز کمک خواهد کرد تا افغانستان آباد و مردم آن مرفه گردند ولی افسوس وصد افسوس که چنین نشد ودنیا نه تنها به برقراری امنیت وثبات ورفاه در افغانستان کمک نکرد بلکه مداخلات خارجی به گونه یی دیگر آغاز شد وشدت یافت و توطئه هایی بزرگ علیه جهاد و افغانستان طرح وعملی گردید و آرزوها وامیال مردم زجرکشیدهٔ ما که در طی سالیان دراز شکل گرفته بود به باد هوا رفت...

با سقوط طالبان دوباره این آرزوها در دل های شکسته وداغدیدهٔ مردم صبور ومصیبت دیدهٔ ما جوانه زد ولی به زودی با اگرها ومگرهایی دیگر از رشد وباروری باز ماند...

از راه های مختلف به مردم این باور داده شد که رفاه و آسایش فقط با کمک های سخاوتمندانهٔ بین المللی ممکن و میسر است وشرط لازم برای دریافت کمک ها، استقرار امنیت وثبات سیاسی می باشد وانتخابات ریاست جمهوری یک شرط لازم و مهم برای امنیت و دریافت کمک ها و درنتیجه رسیدن به رفاه وخوشبختی است.

مردم ما با این پندارها، گمان ها وخوش بینی ها وباوجود تهدیدها وخطرات احتمالی با شور و شوق در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نمودند و به پای صندوق های رأی رفتند، امیدواریم که در آینده یی نه چندان دور این گمان ها به یقین کامل مبدل گردد.

در شمارهٔ آینده به ناهنجاری ها و کاستی های انتخابات اشاره خواهد شد.

ادامه دارد

انتخابات
حضور مردم و...

مردم متوقعند که باید تا تدویر پارلمان ارگانی جهت نظارت بر کارکردهای دولت تشکیل گردد تا از فساد قدرت جلوگیری به عمل آید، زیرا واضح است همان گونه که لرد اکتون می گوید: "قدرت فاسد است وقدرت مطلق مطلقاً فاسد" ویا طوری که مقولهٔ عربی است: "من العصمه ألا تقدر" یعنی گوشه یی از عصمت همان است که به دور از قدرت باشی- قدرت فساد زا وصلاح زداست. بناءً از همین حالا اگر چاره یی برای مهار کردن قدرت در نظر گرفته نشود، باعث بحران های دیگر خواهد گردید که شاید همه در برابر آن گیچ و سرگشته گردند.

مردم توقع دارند قانون اساسی که اکنون به عنوان یک میثاق ملی در محراق توجه ملت جا گرفته است، باید هر آنچه در آن مورد تأئید نمایندگان ملت قرار گرفته است مد نظر بوده و نباید بعد از این به هر گروهی اجازه داده شود که با تفسیری ویژه از آزادی مندرج در مواد قانون اساسی را در چارچوب همان تفسیر خود مورد استفادهٔ دلخواه خویش قرار دهد و کسانی که با استناد بر قانون اساسی تفسیر آن را مورد نقد قرار می دهند آماج تهمت تحجر گردند رفع این مشکل ایجابگر آن است به گونهٔ قانونی باید در پی حل آن بود.

مردم متوقعند که زمینهٔ استقبال برای نیروهای آزادی بخش کشور فراهم شود تا از یک طرف عدالت اجتماعی تحقق یابد واز جانبی دیگر گامی باشد در راستای خنثی سازی زمینه های بحران و ثبات آفرینی در کشور و توقع آخر- نه آخرین توقعات - هم این که تبلیغات بر ضد نیروهای جهادی که به حق نیروهای آزادی بخش این کشورند قطع گردد و هر آن که در این اسیاب آب می ریزد بداند که در آسیاب دشمن آب ریخته است، زیرا عناصری از این طراز نه تنها گامی در راستای تأمین ثبات و اعتماد بر نمی دارند، که بحران های نوی را پایه گذاری می کنند.

ما عناصر کار آگاه فراوان در کشور خود - چه در داخل و چه در خارج- داریم که هم شناخت از جامعهٔ خویش و بافت فرهنگی و عقیدتی آن دارند و هم با حرکت نبض زمان آشنا هستند.

استخدام اشخاصی که نه بخودی ملت خویش ایمان دارند و نه هم به فراورده های تمدنی - که به حیث جاده صاف کنان و رود عارضه های آن کار می کنند - معرفت دارند، جز دامن زدن به بحران های جدید ، کاری از آنان ساخته نیست آنچه در اخیر بحیث پیام این نوشتار به خوانندگان پیشکش می گردد این است که زعامت انتخابی آیندهٔ کشور باید برنامه های مشارکتی و بحران زدایی و پیشرفت و شگوفایی کشور را از تجارب شخصیت های علمی برخاسته از متن ملت آماده و بر بنیاد آن و در روشنایی آن تجارب و یافته های علمی تصمیم گیری نمایند.

و به عبارت دیگر باید کارگردانان و تصمیم گیرند گان جامعهٔ نیاز مند به آبادی و شگوفایی کشور، برنامه های توسعهٔ سیاسی، اجتماعی واقتصادی کشور را از فیصله های شخصیت های علمی و دانشمندان همخوان و هم آوازاحاد ملت برگیرند که در واقع تصمیم سازان واقعی همان هایند و لاغیر.

این جاست که دولت منتخب وزعیم انتخابی آیندهٔ کشور می تواند از یک طرف اعتماد ملت را با خود داشته باشد و از جانب دیگر کشتی طوفان زدهٔ ملت را در عرصه های مختلف به ساحل نجات برساند.

په انتخاباتو کي نیمګړتیا افغان ولس له ذهني فشار سره مخامخ کړي دي

د افغانستان د ټول ټاکنو بهیر چي دهمدي اوونی په سرکي پای ته ورسید دهیواد او نړۍ په مطبوعاتو کي ئي پرپایلو تبصري او مقالي خپري شوي چي په دې ترڅ کي دامریکا په متحده ایالتو کي دخپري شوي تازه ګڼي نیوزویک او تایمز مجلو څیني غټ ټکي قدرمنو لوستونکیو ته وړاندي کوو:

نیوز ویک لیکي: انتخابات خو وشول مګر له شپاړلس کاندیدانو څخه ئي پنځلسو اعلان وکړ چي په انتخاباتو کي د کرزي په ګټه کار شوي او ګواښ ئي کړي چي نتیجه به ئي ونه مني چي دا دول څرګندونو خلک له حیرانتیا او ذهني فشار سره مخامخ کړي دي.

مجله لیکي: دطالبانو لخوا خلکوته د مرګ له ګواښونو او دسړو بادونو له ګرد او غبارنه ډکي فضا سره، سره خلکو خپل زړه کلک کړله سختو غرووںو او رغونو څخه تیر شول او د انتخاباتو مرکزونو ته ئي خانونه ورسول او دسلو زرو بهرنیو او کورنیو سرتیرو او پولیسو لخوائي امنیت نیول شوي و. که څه هم طالبانو ګواښونه ډیر کول خو کومه غټه پیښه ونه شوه او تقریباً خلکو په آرامي سره رائي ورکولي

یک روشنایی در افق کوکچه

سیری در شعر واندیشهٔ میاصاحب سید عبدالکریم حسینی

قسمت دوم

همایون حافظی

میا صاحب در جمع دوستان وانجمن یاران، سخن آرایی بودند ملیح ونکته یاب که همواره محفل هم صحبتان را شور و شوق می بخشیدند.

پیرامون شخصیت وارسته و اوصاف خجستهٔ مرحوم میا صاحب تحلیل وتفسیر فر آورده های ایشان به هر اندازه که تحقیق صورت گیرد، به همان اندازه ابعاد شخصیت ایشان روشن می شود وکشش و جاذبه پیدا می کند.

نا به سامانی های اجتماعی، بیش از همه بر پیکرهٔ فرهنگی جامعهٔ بلاکشیدهٔ ما صدمه وارد نموده است و اگر بخواهیم مختصر آشنایی یی با یکی از شخصیت های فرهنگی دیاران خویش داشته باشیم در زمینهٔ به دست آوردن آثار ایشان موفق نمی شویم زیرا نه کتاب مانده و کتاب دار. لذا با مشکلاتی فراوان جهت آشنایی اندک با شیوهٔ نثر پردازی مرحوم میا صاحب نسخهٔ قلمی بهار بدخشان را از نزد دوستی برای مدت تقریباً دوساعت به دست آوردم لابلای گلبرگ های نفیس آن را که به قلم زیبای آن مرحوم نوشته شده است مروری گذرا کنم، وسوانح اقارب خویش را از آن اقتباس نمایم که نثر بدیع آن نمایانگر ید طولای میا صاحب در فن تذکره نویسی می باشد.

مفرح الاحباب را که آنهم تذکرهٔ شعرای بدخشان است از نزد دوست فرهنگی ام محترم عبدالملک ریزکانی به دست آوردم البته قسمی که متن این تذکره، شیوهٔ نگارش کلاسیک نثر دری آمیخته باجملات عربی و یاد آوری آوان نگارش در مقدمهٔ آن می رساند این کتاب در دوران سلطنت امیر امان الله خان یعنی سال ها قبل از نگارش تذکرهٔ بهار بدخشان جمع آوری و به رشتهٔ تحریر درآورده شده است.

از این دو تذکره جز آشنایی اندک با سوانح مختصر ایشان و دریافت شیوهٔ نگارش وتحولی که در سبک نثر پردازی شان در فاصلهٔ زمانی تألیف این دو اثر گران بها رخ داده است به گونهٔ کلی به درونمایهٔ اشعار شان معرفتی نتوانستم حاصل نمایم. تا این که با خوانش و بررسی چند قطعه شعر میا صاحب که از خرمن پربار سروده های ایشان توسط فرزانه یی که چون مشت نمونهٔ خروار گرد آوری شده است و محترم عبدالواصل لطیفی شاعر خوش قریحهٔ مرز و بوم مان آن اشعار را در اختیار من قرار دادند. به اشعار مرحوم میا صاحب با دیدهٔ قدر نگریسته از این بیان عالمانهٔ لسان الغیب طلب استمداد می کنم. تا اهل خرد، خرده های این نوشته را بر من ببخشایند.

من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست
تو هم زروی کرامت چنان بخوان که تو دانی...(۶)

جامعهٔ فقیر و استبداد زدهٔ ما که اکثریت آن از نعمت سواد محروم می باشد، همواره فشار جانکاه پاشنه های زور و زر را بر گردهٔ خویش تحمل نموده اند. از این که در همچو جوامع ارزش های انسانی نا دیده گرفته می شود، اهل قلم و اندیشه در مضیقه به سر می برند. لذا هر صاحب قلم به اندازهٔ اصطکاک فکری خود با جو حاکم از روند مسلط بر جامعه، رنج برده، در لابلای آفریده های هنری خویش به ابراز نارضایتی می پردازد. و ما فریاد حزینی را از خامهٔ میا صاحب این صاحب قلم وارستهٔ مرز بوم مان می شنویم:

فریاد فلک گشته به کام دل ما نیست
افسوس که دوران به مرام دل ما نیست

دادیم دل خسته وصد رنج خریدیم
سودی است سراسر به سلام دل ما نیست
یاران ز حسینی پس از این عیب مجویید
غرق است به غم آه قیام دل ما نیست(۷)

عرفان و تصوف اسلامی در برخی از جلوه های خود نوعی اعتراض اجتماعی است، که در حوزهٔ فرهنگی ما به خاطر ابراز مخالفت و نارضایتی از روند مسلط بر جامعه، در شرایط خاص تاریخی تبارز نموده است و تا عصر اوج گیری جهش های انقلابی جریان داشته است. همین اکنون نیز در جامعهٔ ما رهروان طریقه های مختلف تصوفی موجود هستند. مرحوم میا صاحب نیز به عنوان انسانی آگاه و صاحب قلم با تأثر پذیری از عشق راستین و درک عمیق از عقده های اجتماعی نا شکافتهٔ محیط پر درد و رنج مان، در پیامد آلام پایان نا پذیر پهنهٔ زندگی اجتماعی جهت تسکین تقلاهای ژرف روح وارستهٔ خویش در سلک طریقت شامل گردیده و با گرایش در طریقهٔ نقشبندیه به عرفان پناه بردند، که این شعر بیان تقلای روح وارستهٔ شان می باشد:

الهی ساغر وحدت خمار نشه مندان را
نصیب از نگهت فیض دماغ مستمندان را
شب یلدای بیماری سراسر رنج بی یاری
علاج از لطف فرما دردهای دردمندان را
کف خاکی شدن دارد غبار دامن گشتن
به امید گذار افتد در این ره سر بلندان را
الهی دل زعشقت محرم ذوق فنا گردد
وگرنه نیست نرمی این حدید سخت سندان را
به ذوق قطع منزل ها حسینی راهبر باید
از آن رو اقتدا دارم امیر نقشبندان را(۸)

جوهر اصلی گرایش به عرفان وتصوف که انسان دردمند را به طی طریق وامی دارد عشق است. نیروی لایزال عشق حقیقی است که سالک شوریده حال را از وادی طلب به معرفت وتوحید کشانده در کمال حیرت و تحمل سوز و گداز او را به فنا سوق می دهد.

مرحوم میا صاحب عارفی بودند بهره ور از فیض عشق حقیقی، متن پرسوز وگداز این غزل که شور وجذبهٔ عارفانهٔ آن، دل را به وجد می آورد، مرتبهٔ میا صاحب را در مذهب عشق که گزیدهٔ عرفاست بلند بالا جلوه می دهد. این است تمنای صادقانهٔ عاشق وارسته در راستای شوکت عشق راستین:

در راه تو خاک عدمم غیرتم اینست
برباد هوای تو ام وعشرتم اینست
خوبست شوم تودهٔ خاکی به خرامت
یک بار نهی پا به سرم شوکتم اینست
عشق است مرا مذهب نیکوی مهذب

با داغ تو رفتن به عدم ملتم اینست
تنهایی وخون جگر ونالهٔ پرسوز
در بیت حزن ساکنم وشهرتم اینست
خوش باش حسینی به غمش درهمه دوران
کز سال ومه عمر روان فرصتم اینست(۹)

پاورقی:

۱- حسینی، سیدعبدالکریم، بهار بدخشان نسخهٔ قلمی مقدمه صـالف
۲- بدخشی شاه عبدالله یمگی، ارمغان بدخشان چاپ ۱۳۶۷ کابل صـ۲۳۸
۳- حسینی، سیدعبدالکریم، بهار بدخشان نسخهٔ قلمی صـ
۴- حافظ، شمس الدین محمد، کلیات جیبی چاپ ۱۳۷۷ انتشارات رجبی صـ۴۸۸
۵- لطیفی، عبدالواصل، منتخب غزلیات میا صاحب دفتر چه شخصی
۶- همان جا
۷- همان جا
۸- همان جا
۹- همان جا

د ترکو استانه

میاګل مجددی

ډیر عمر مې تیر کړ بیــــــهوده په زمانه
نور دې زما سروي او د ترکو استـــــــانه
هیڅ مې حاصل نه کړل په شیخی او په تقوي کې
پس له دې مې وار دې هر چه شي په میــــخانه
شیخ وشیخي ، ورد وظیفه او ذکر وفـــــکر
زه او ساقي، جام و باده، چنګ و ترانــــه
زه وزاهدانو ته حیران یم دوي وســـاته
دیوانه به ده میخـــــند د وده به دیوانه
ګنج د دروخار شته د عاشق تر ځاځکي اوښکي
نه خروار د عقل نه دعــــــشق یوه دانه
تیغ دیار له لاسه په مرې دعاشـــــقانو
هسي لذت کا لکه دمیو پیمــــــــانه
خداي لره به ورشم په سودا دیار له مخي
بل مقصود مې نشته په کعبه په بت خانه
زه د ډیري مینې په تش بوي دیار شیدا شوم
تل د لندو ختو لړ اوبه وي بــــــهانه
ځکه زاهد زهد کا دیو جنت دپــــــاره
سرښندلي نشي په اوربل دجانانــــــــه
ګوره د منصور هسي په دارنه شي رحمانه
مه کړه دادعشق خبري مستـــــي رندانه
بله نښانه دعاشقی نشته رحمانــــــه
بې نام ونښان که ئي غواړي نښـــــانه

وشکستم و دویدم و فتادم

سهراب سپهری

درها به طنین هاي تو وا کردم
هر تکه نگاهم را جایی افکندم ، پر کردم هستی ز نگاه
بر لب مرداب ، پارهٔ لبخند تو بر روی لجن دیدم ، رفتم به نماز.
در بن خاری ، یاد تو پنهان بود ، پاشیدم به جهان.
بر سیم درختان زدم آهنگ ز خود رويیدن، و به خود گستردن.
وشیاریدم شب یکدست نیایش، افشاندم دانهٔ راز.
وشکستم آویز فریب.
و دویدم تا هیچ. و دویدم تا چهرهٔ مرگ ، تا هستهٔ هوش.
وفتادم بر صخرهٔ درد . از شبنم دیدار تو تر شد انگشتم ، لرزیدم.
وزشي مي رفت از دامنه ای ، گامي همراه او رفتم .
ته تاریکي ، تکهٔ خورشیدی دیدم، خوردم،و ز خود رفتم.
ورها بودم.

شمع او پتنګ

فضل غنی

د ګـل او بلبـل، شـمعي او پتـنګ مینـه یـو لرغوني تاریخ لري. د بلبل سینه د ګل داغـزو لـه لاسـه سـوری ده، د پتـنګ بیچـاره کمـزوري او نـازک بـدن د شـمعي لـه لاسـه ایـري ایـري دي. خو بیا هـم بلبـل او پتـنګ دواړه د ګـل او شـمعي له عشق او میـنې څخـه لاس نـه اخلـي چـي بلبـل د حسـن او ښایسـت خریـدار دي او پتـنګ پـه نـور او رڼا باندي سر ورکوي.

لکه ارواښاد ملنګ جان چي وائي:

پتنګ د بلي شمعي یـــــار دي
بلبل د ګلو خـــریـــــدار دي
د لیلا دوه سترګي مجنون پیژني
دآزادي قدر پښتون پـــــیژني

موږ پخوا د شاعرانو په شعرونو کي د شمعي او پتنګ د میني او عشق کیسي اوریـدلي وي خـو لیـدلي مونـه وي، خـو دلتـه مـو د پتنګـانو ډول ډول ګداګـاني او طوافونه ولیدل چي د خپلو شمعو په چاپیریال کـي بـه تاویدل او څرخیدل، چا به لـه ډیري مینـي پـه شـمعي خانونه سیزل او چا به له ورایه په تشولیدو سره د خپلـي میني تنده ماتوله او خپله سوده به لـي وربانـدي کولـه. همداسي ډیرو بورا ګانو خپل ځیګرونه د ګلانو په اغزیو سوري سوري کړل.

او دخپلـي میـني اورلـي د زړه پـه وینـو سـوړ کـړ خو بـالاخره د وختونـو پـه تیریدو سره شـمعي سـړي شوي او په ګلانـو خزان راغـي، نـه شـمعو لـه پتنګـانو سره وفاه وکړه او نـه ګلانـو لـه بـورا ګـانو سـره ، او س په محفلونو کي نه شـمعي شـته او نـه پتـنګلان ، نـه پـه بڼ کـي ګـلان شته او نـه غمخـور مالیـار چـي د هغـو پالنـه وکـړي. د افغـان اولـس د هیلـو بـڼ هماغسـي سـپیره پـروت دي، داسـي سـپیره بادونـه پـري والوتل چـي ټـولي شـمعي ئـي لـه یـوي مخـي مـړي کـړي او ټـول ګـلان ئـي ور ژول، خـداي پوهیـږي چي بیا بـه هغـه شـمعي څـوک بلـي کـړي او هغـه زړه راکښونکي ګلان به څوک وکري؟

خو داسي معلومیږي چي اوس زموږ د ملي ګلشن د ښکلا او ښیرازۍ لـه پـاره د هیلـو دریځـي خلاصـي شوي او داسي معلومیـږي چـي ددغـه بـي سرپرسـته ګلشن د خړوبه کولو او په هغه کي د ګلانو د روزلو له پاره به که خداي کـول بیـا کـوم زړه سـوانده مالیـار پیدا شي او بیا به زموږ د هیلو دغه ګلشن ته بلـبلان او بوراګان راشي او بیا بـه د ګلـو او بلبلـو ، شـمعي او پتنګ نخري شروع شي، مینه به ژوندۍ شي، دهیلو او ارزوګانو غوټي به سر را ووهي. وطن به سمسور شي او افغانان به په ګډه خپل جنت نشانه هیواد او خپل ګډ کور له سره آباد کړي.

بورا به خداي په ګلو مــــوړ کړي
باغوانه ستا نمیګري نیت مې ژړوینه
ځانګه به نن سبا کي ګل شـــــي
ما ئي په سر کي سري غوټۍ لیدلي دینه

دربار شاه در کمند اسپ ها!

سخنی در باب آسیب استبداد بر جامعهٔ ما

وحید مژده

در سفر به کشور های خارجی، وقتی به دیدار بنا های تاریخی می رویم، از آثار ادوار گذشته، قصر های شاهان که با شأن و شوکت، قامت برافراشته اند، بیشتر توجه برانگیز ند. سبک معماری خاص هردوره، در این بنا ها مشخص است. تو گویی هر نسل از نسل های پیشین در هر خشت این بنا ها پیام هایی به نسل های بعد دارند. گذشته از کشور های اروپایی، در کشور های آسیایی و حتی کشور های همسایه نیز دیدن این آثار، تاریخ را تجسم عینی می بخشد. گذشته را در این آثار می توان لمس کرد. در سنگ سنگ این بنا ها آثار دست هایی را می توان دید که اینک خاک شده اند. قصر هایی که صاحبان آن در قبر ها خفته اند ولی ابهت آن آثار از هیبت قصرنشینان سلف سخن ها دارد.

در کشور ما از تمدن های دوران کهن، عمارات و ساختمان های بزرگ برجا نمانده است. ما را عادت براین است که باید گناه ویرانی های آثار برجای مانده از دوران های ماقبل را به گردن چنگیز خان مغول بیندازیم که اجداد ما پسرش را کشتند و او هم به انتقام قتل فرزند، دمار از روزگار مردم در آورد و هر زنده جانی را از دم تیغ کشید و یا تیمور که اجداد ما پایش را لنگ کردند و او هم به انتقام لنگ شدن پا، جهانی را غرقه در خون و آتش و خاکستر کرد و جهان گشایان دیگر که هر چند گاهی یک بار به عزم حمله بر هند به این سرزمین لشکر کشیده اند. ساده ترین بهانه این است که همه کوتاهی ها را به گردن آنان بیندازیم و خود را از دغدغهٔ تحلیل و تجزیهٔ عوامل انحطاط و سقوط که در بسیاری از موارد، خود مسؤول آنیم، برهانیم. نگوییم که بعد از چنگیز و تیمور بر این ملت چه گذشت

چرا باید شاه یا امیر، اجلاس دربار را در کمند اسپ ها دایر کند که لگد پرانی و سروصدای اسپها گاهی موجب اخلال آن گردد و بوی سرگین شامهٔ درباریان را بیازارد؟

که دیگر به ساختن اقدامی نشد و ساختن و بنیاد کردن عملی عبث به شمار آمد.

اگر چنگیز آثار تمدن غزنه و بلخ و خوارزم را از میان برد، بعد از چنگیزنیز سلسله هایی از شاهان براین سرزمین حکمروایی کردند. یکی از نماد های بارز حکمروایی این است که شاه، سلطان یا امیر قصری دارد که در آن مجالس دربار خویش را دایر می کند، نمادی از هیبت شاه در نزد رعیت و دوستان و دشمنان داخلی و خارجی است.

این قاعده در تاریخ معاصر کشور ما صدق نمی کند. وقتی به آثار تاریخی کابل پایتخت کشور می نگریم، از بوستان سرای کابل تا مقبرهٔ تیمور شاه و باغ بابر شاه و در قندهار مقبرهٔ میرویس خان هوتک و احمدشاه درانی... آنچه قبل از قرن بیستم بنیاد شده و از دست تاراج روزگار در امان مانده است، بیشتر شامل عماراتی است که بر فراز قبر ها اعمار شده و یا عماراتی که بعداً شاهی را در آن به خاک سپرده اند.

ما هنرمندان چیره دستی داشته ایم که آثار سرانگشتان پرهنر آنان را بیشتر در سنگ نوشته های فراز قبر های کهن می توان یافت. چرا چنان ظرافتی را بیشتر در سنگ های گور می توان سراغ کرد و عرصهٔ زندگی از آن زیبایی ها خالی است؟

من به این باورم که اگر استبداد، زندگی را بر کام این ملت تلخ کرد، استبداد گران و تصاحب کنندگان قدرت از راه زور در این خطه هم چندان شیرین کام نبوده اند. تأثیرات منفی تسلط از راه زور در کشور ما از این زاویه

ملت با دادن رأی خویش در حقیقت بر هر نوع تغییر قدرت از راه های دیگر خط بطلان کشید. استبداد کلاسیک با این انتخابات در افغانستان شکست سختی را تحمل کرد

نیز در خور توجه و دقت است. اگر تمام لذت سلطنت را در مالک الرقاب بودن و امر و نهی کردن خلاصه نکنیم، آیا کسانی که با سلطهٔ جبر و استبداد بر این ملت حکمروایی کردند، از چنین حکم رانی چه لذتی برده اند؟ آیا زندگی بهتر از عوام و خواص و درباریان خویش داشته اند؟ وقتی ما وضع زندگی امرا و پادشاهان کشور خویش در طول چند قرن گذشته را مورد مطالعه قرار می دهیم می بینیم که برخلاف کشور های دیگر- حتی کشور های همسایه- پادشاهان ما حتی فاقد یک محل مناسب و در خور شأن پادشاه، چون قصر سلطنتی بودند.

در هر کشوری قصر بادشاه یا سلطان نماد قدرت و هیبت شاهان نه تنها در نزد رعایا بود بلکه استقبال از میهمانان خارجی در یک محل مزین و قشنگ، اهمیت شاهان و امیران را در نزد دوستان و دشمنان داخلی و خارجی نیز برجسته تر می ساخت، اما در کشور ما چنین نبود.

به شهادت تاریخ، در پایتخت کشور ما تا دو دههٔ اخیر قرن نزدهم از قصر سلطنتی خبری نبود و عجیب است که مجالس دربار سلطنتی در کنار کمند اسپ های یک قلعهٔ نظامی یعنی بالاحصار دایر می شد!! طرح قصر دلکشا- که برخلاف نام آن چندان دلگشا هم نیست- در پایان قرن نزدهم به وسیلهٔ امیر عبدالرحمن خان نهاده شد و امیر حبیب الله خان آن را تکمیل کرد. قصر ستور و عماراتی چون قصر باغ بالا وغیره نیز یادگار های همان دوره هاست.

قبل از آن، خانه جنگی و نظام ملوک الطوایفی موجب گردیده بود تا سلطه فقط از طریق زور دست به دست گردد. هیچ سلطان یا امیری، امیدی به این نداشت که اگر عمارتی را بنیاد بگذارد، آیا تا زمان به سر رسیدن کار آن، برمسند قدرت باقی خواهد بود یا نه؟

خطر جنگ ایجاب می نمود که پول خراج و مالیات مردم در خزانهٔ شاه ذخیره گردد تا هر زمانی که دشمنی قصد حمله نماید، آن پول به خرج جنگ برسد. اقتصاد جنگی مجالی برای ساختن باقی نمی گذاشت.

چرا باید شاه یا امیر، اجلاس دربار را در کمند اسپ ها دایر کند که لگد پرانی و سروصدای اسپها گاهی موجب اخلال آن گردد و بوی سرگین شامهٔ درباریان را بیازارد؟ دلیل آن روشن بود، اسپ سریع ترین وسیلهٔ حمل و نقل در آن روزگار در کشور ما بود و چون امرا همیشه خود را در تهدید حمله و هجوم برادران و پسران کاکا وسایر دشمنان احساس می کردند، نزدیکی به کمند، دسترسی به اسپ ها را آسان تر می ساخت. هم به منظور جنگ و دفاع و هم برای فرار از جنگ دشمن.

در چنین جو و فضایی که هرچند گاه یک بار مردم باید شاهد سرنگونی یک سلطان به دست سلطانی دیگر، کور شدن برادری به دست برادری دیگر و سربریدن امیری به دست امیری دیگر می بودند، امنیت وجود نداشت و طبعاً مردم نیز علاقه یی زیاد به تلاش اقتصادی نشان نمی دادند. زیرا هیچ کس نمی دانست که فردا چه خواهد شد و امیر تازه یی که با پادشاه گردشی از راه می رسد، چه بار مالیات را به دوش رعایا خواهد نهاد.

امیر عبدالرحمن خان آمد با استبداد آهنین، هر حرکتی را که از آن بوی فضای تازه به مشام می رسید سرکوب کرد و بازار کله منار ها را رونق داد. او بود که پس از دورهٔ طولانی از خانه جنگی ها و حکومت های ملوک الطوایفی، اساس یک دولت مرکزی را در افغانستان نهاد. در این دوره بود که دربار از کمند اسپ ها به جای مناسب تری منتقل شد!

از این دوره است که ما آثار بنا های جدیدی را در کشور می یابیم. قصر های با شکوه در دارالامان و سایر مناطق تعمیر گردید اما بعدها کسانی به اقتدار رسیدند که گذشته از این که خود توان ساختن نداشتند، به یادگار های دوران سلف نیز با نگاهی آمیخته با کین و حسد می نگریستند. زیرا این آثار، یادگار و یادآور دوران سلطهٔ رقبای پیشین بودند. دیگر حضور رقبای پیشین حتی در اذهان عامه نیز قابل تحمل نبود.

در قرن بیستم جهان شاهد تغییراتی شگرف گردید اما افغانستان از این فضای تازه بهره یی نبرد. مشروطه خواهی به شدت سرکوب شده بود. مشروطه خواهان یا اعدام شده بودند و یا در گوشهٔ زندانهای مخوف قرون وسطایی، روزهای معدود باقی عمر خویش را می شمردند. انتقال قدرت حاکمه از دستی به دست دیگر همچنان به دوشیوهٔ معمول قرن ها قبل صورت می گرفت.

تغییر قدرت به شکل میراثی که در آن شاه مرحوم یا معدوم از خود تاج و تخت و اسپ و شمشیر و گروهی از غلامان و کنیزان و کنیزی از رعیت مطیع و خراجگزار و مالیه ده به امیر خلف به میراث می گذاشت ویا تغییر از راه زور و غلبه و بیشتر به کمک بیگانگان. در ظاهر دوران غلامی و کنیزی به سر آمد اما در یک نظام استبدادی، همهٔ ملت غلام و کنیز حاکمان بود.

●●●

رأی گیری برای انتخابات ریاست جمهوری کشور به پایان رسید و مردم با حضور، در پای صندوق های رأی در هجدهم میزان، مسؤولیت ملی و میهنی خویش را ادا کردند.

تجربهٔ جدید تعیین زعیم از طریق آرای مردم، تجربه یی جدید است و مردم از این تجربهٔ جدید استقبال کردند. شرکت گستردهٔ مردم در این انتخابات نشان از آن دارد که ملت ما تا چه حد تشنهٔ صلح و امنیت است. ملت با دادن رأی خویش در حقیقت بر هر نوع تغییر قدرت از راه های دیگر خط بطلان کشید. استبداد کلاسیک با این انتخابات در افغانستان با شکست سختی دچار شد. اعتراف نمایندهٔ طالبان در صحبت با بی بی سی ندای بی طنین همان سلطهٔ استبدادی از نوع کلاسیک بود که با بی توجهی مخاطبان مواجه شد. آقای حکیمی سخنگوی طالبان در مخالفت با این انتخابات اعتراف کرد که ما در مناطق دورافتاده در جنوب کشور مردم را تهدید کردیم تا در رأی دهی شرکت نکنند. و در جواب به این سؤال که آیا تهدید شما مؤثر بوده است گفت که بلی این تهدید تا حد زیادی تأثیر داشت و مانع شرکت مردم در انتخابات در بعضی از مناطق گردید.

اگر فرضاً تهدید و ترساندن گروه یا گروه هایی می توانست حتی همهٔ مردم را از شرکت در انتخابات باز دارد، آیا این کار به معنی

من به این باورم که اگر استبداد، زندگی را بر کام این ملت تلخ کرد، استبداد گران و تصاحب کنندگان قدرت از راه زور در این خطه هم چندان شیرین کام نبوده اند

موفقیت گروه های تهدید گر بود؟ این استبداد است که ایستادن در برابر ارادهٔ ملت و سرکوب خواست های مشروع مردم را برای خود موفقیت به شمار می آورد.

جمعی از کاندیداهای ریاست جمهوری در اعتراض به نارسایی های تکنیکی، انتخابات را فاقد مشروعیت خواندند. جواب به این اعتراضات، کار مراجع مسؤول است اما این که دیگر اعتراض و خشم نه با توسل به شلیک گلوله و فیر راکت، بلکه از طریق کنفرانس مطبوعاتی و در حضور خبرنگاران به صورت مسالمت آمیز ابراز می شود، خود نشان از یک تغییر عمده دارد، سلطهٔ استبداد کلاسیک رو به زوال افتاده و این ملت گام در مسیر جدیدی نهاده است.

رمضان نماد استقامت وخدا ترسی

بقیه از صفحهٔ ۸

«ای آنانی که ایمان آوردید روزه برشما فرض گردانده شده، آن گونه که بر آنانی که پیش از شما بودند فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید.» لذا تقوا و پرهیزگاری پیامد اساسی روزه می باشد؛ تقوا، توشه و پناهگاه مؤمن است و او را از خطاکاری و انحراف باز می دارد.

در فضیلت رمضان احادیثی زیاد وارد شده است چنان که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «زمانی که ماه رمضان داخل شود، دروازه های آسمان گشوده می شود، و دروازه های دوزخ بسته می گردد و شیاطین در غل و زنجیر انداخته می شوند». یعنی در ماه روزه دروازه های رحمت الهی باز می شود و اگر مسلمان از سر اخلاص وطلب ثواب روزه بگیرد و در کنار آن سایر عبادات را نیز ادا نماید مشمول رحمت خدا می گردد و از آتش جهنم رهایی می یابد و شیطان ها هم نمی توانند، او را به وسواس وگمراهی بکشانند.

از این رو برماست که با استفاده از فرصت های خدا داد رمضانی بازوی همت برزنیم و به طاعت آفریدگار هستی رو بیاریم. تا از مصایب دنیا و عذاب آخرت نجات پیدا کنیم. و برای این که شرایط مغفرت خدا را درخود تحقق بخشیده باشیم، باید در این ماه بر تلاوت قرآن بیفزاییم، حلقات ترجمه و تفسیر تشکیل دهیم، در نماز تراویح شرکت بجوییم وکوشش کنیم که قرآن را طی حد اقل ده روز در تراویح ختم نماییم، چه به گفتهٔ دانشمند بزرگوار ابوالحسن ندوی - رحمه الله علیه - در بین رمضان و قرآن عظیم الشأن مناسبتی ژرف وپیوندی ناگسستنی وجود دارد و از همین جهت نزول قرآن در همین ماه صورت گرفته است، و این ماه تمام خیر و برکت را در خود نهفته دارد، هر نیکی وبرکتی که در طول سال به انسان می رسد، در واقع قطره یی از همین بحر بیکرانه است، پس خوشا به حال کسی که از این ماه بهره یی خوب می گیرد و از عمل خود در آن راضی می باشد وبدا به حال آن که از فرصت های نیک آن استفاده نمی کند و از خیر و برکت آن محروم می ماند.

آمادگی برای پذیرایی رمضان

حق مهمان بر انسان این است که از او خوب پذیرایی کند ومقدمش را گرامی بدارد، و از هر حرکتی که او را آزرده خاطر می سازد بپرهیزد، چنین پذیرایی از رمضان که درحقیقت مهمان غیبی است وقتی ممکن می باشد که آدم پیش از فرا رسیدن آن، با توبه یی خالصانه از کردارهای گذشته و با عقد پیمان با خدا مبنی برتمسک به دین او، واطاعت از فرمان او و ایثار همه چیز در راه وی، آمادهٔ پذیرایی شود، ویقین پیدا کند که عزت و سرفرازی مسلمان فقط در پیروی ازارشادات الهی و پیامبر است و با همین اندیشه و تفکر هیچ گونه نا امیدی وسستی را در خود راه ندهد و از لحظات خوب وقیمتی رمضان بیشترین بهره را ببرد. در یکی از شب های دههٔ آخر این ماه شب قدر است، که خدا در مورد آن می گوید: "شب قدر از هزار ماه بهتر وگرامی تر است".

در این شب اگر کسی بیدار بماند ومشغول دعا وتضرع باشد به تمام آرزوهای دینی اش نائل می آید.

خداوند در این ماه کلید بزرگ ترین فتوحات را به دست بندگان صالح خود داده است؛ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، فتح مکه، آزادی بیت المقدس به دست صلاح الدین ایوبی در همین ماه بوده است، و اگر امروز ما هم ایمان مان را نیرو بخشیم وکردار خود را نیکو بسازیم و از ژرفای دل به سوی خدا بازگردیم و درمیان خود راه الفت ومحبت در پیش بگیریم، بدون شک برمشکلات خویش فایق خواهیم شد.

توبهٔ خالصانه

انسان را گه گاه غفلت، شهوت وغضب فرا می گیرد وشیطان هم از همین راه ها به درون آدمی نفوذ می کند، و او را در گناه وهلاکت می اندازد. برای نجات از دام هلاکت، انسان باید هر روز وهر ساعت به بارگاه خدا پناه ببرد، وتوبه کند، و رمضان بهترین موسم برای این کار است که با بازگشتی خالصانه به سوی پروردگار از کرده های ناپسند گذشته ندامت کنیم و راهی خدا پسندانه را در پیش بگیریم تا مورد توجه وتفقد خدا قرار بگیریم.

اگر امروز ما هم ایمان مان را نیرو بخشیم وکردار خود را نیکو بسازیم و از ژرفای دل به سوی خدا بازگردیم و درمیان خود راه الفت ومحبت در پیش بگیریم، بدون شک برمشکلات خویش فایق خواهیم شد

استقامت قلب و جوارح

موضوع دیگری که در استقبال از ماه مبارک رمضان، با اهمیت می نماید، استقامت قلب و پایداری اعضای انسان در راه خیر و رستگاری است، و این امر با دو چیز تحقق یافتنی است:

۱- دوستی خدا نسبت به دوستی هرکس و هرچیز نزد انسان باید مقدم باشد و رضا ومحبت او در دل و درون آدمی چنان نهادینه گردد که هیچ چیزی جایش را نگیرد.

۲- به اوامر و نواهی الهی بایستی احترام و ارج گذاشته شود، و این ارجگزاری به امر و نهی او نمایانگر تعظیم و حرمت امرکننده ونهی کننده(خدا) است. با چنین یک روحیه یی به استقبال رمضان رفتن بدون شک موجبات رحمت ومغفرت خدا را برای انسان فراهم می کند.

توجه به یاد خدا

یاد خدا در هر زمانی ستودنی است و ما بدان مامور شده ایم، ولی در ماه رمضان ستودنی تر است. رسول گرامی اسلام می فرماید: "آیا شما را به بهترین و پاک ترین اعمال تان به نزد پروردگا وبه عالی ترین درجات تان خبر ندهم؛ چیزی که از دادن طلا ونقره و از مبارزه با دشمن نیز بالاتر است؟ گفتند بلی ای پیامبر خدا، رسول اکرم فرمود: یاد خدا جل جلاله."

ذکر خدا این فواید رادر بر دارد:

۱- یاد خدا به صاحبش نیرویی بزرگ وباور نکردن می بخشد.

۲- ذکر خدا سختی ها را آسان و مشقت ها را سبک می سازد.

۳- یاد خدا بزرگ ترین مقاومت بر طاعت خدا (ج) است.

۴- خداوند به گروه ذاکر افتخار می کند.

۵- یاد خدا شفا و درمان تمام بیماری های قلبی و روانی است. غفلت مرض است؛ چه در دل آدمی گره هایی وجود دارد که جز به ذکر خدا گشوده نمی شوند.

۶- یاد خدا، رأس شکر است؛ کسی خدا را یاد نکند، شکر او را به جا نکرده است.

۷- ذکر، بندهٔ مؤمن را از حسرت و ندامت در روز بازپرس نگه می دارد.

۸- یاد خدا زمینه های زندگانی قلب وقوت روان انسان را فراهم می کند.

۹- ذکر خدا باعث دوری زبان از غیبت و سخن چینی می گردد.

مستحبات ماه روزه

الف:- رهایی از دام شهوت و لذت

انسان نباید در وقت افطار معده اش را از نان پر کند بلکه در حد متوازن از روزی حلال بخورد، زیرا که جان ومغز روزه تضعیف شهوات وسرکوب تمایلات نفسانی است.

ب:- دعا در وقت افطار

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: "دعای سه نفر رد نمی شود؛ روزه دار وقتی که افطار می کند، امام عادل ودعای مظلوم».

ج:- شب زنده داری وتهجد

به اتفاق همه علما نماز تراویح سنت است وختم قرآن در آن مستحب. احادیثی در این زمینه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت شده است از جمله:

پیامبر می فرماید: "کسی که در رمضان از روی ایمان وکسب ثواب شب زنده داری می کند(تراویح می خواند) گناهان گذشته اش بخشیده می شود".

از مغیره رضی الله تعالی عنه روایت است که "رسول خدا صلی الله علیه وسلم در شب ـ مخصوصاً رمضان ـ به حدی در نماز ایستاده می شد که پاهای مبارکش ورم می کرد."

از همین جهت بوده است که نیای صالح و مسلمان ما با اغتنام از فرصت، شب ها به نماز می پرداختند و در خلال نماز به تلاوت وختم قرآن دست می یازیدند، و با خواندن آیات رحمت خوشحال می شدند و خداوند را در برابر آن همه نعماتش سپاس می گفتند و با شنیدن آیات عذاب به زمین می افتادند، از هوش می رفتند و از عذاب الهی به خود او تعالی پناه می بردند وبخشش می طلبیدند.

مبادرت به صدقه

مسلمان باید در رمضان به دادن صدقه وافطار روزه دار اقدام کند، هرچند که این صدقه جرعه یی از آب و یا دانه یی از خرما باشد. پیامبر گرامی ما می فرماید: "کسی که به روزه داری افطاری می دهد، عین پاداش همان روزه دار را نصیب می شود، بدون آن که از ثواب روزه دار چیزی کاسته شده باشد".

مبادرت به صدقه وخو دادن نفس به سخاوت وکرم در هر وقتی نشانهٔ ایمان وجوان مردی است و در رمضان بیشتر از هر زمان دیگر. چنان که ابن عباس می گوید: "رسول خدا سخاوت مند ترین مردم بود و این سخاوت وی در ماه رمضان بیشتر از پیش افزوده می شد".

بدون تردید صدقه حس غیر دوستی و نوع پروری را در انسان زنده می کند وباعث دفع بلاها و فرونشستن غضب خداوند می گردد و خطاهای انسان را از بین می برد، و زمینه های سعهٔ صدر و فراخی قلب را فراهم می آورد.

اعتکاف در دههٔ اخیر رمضان

اعتکاف، متمم فواید و مقاصد رمضان است، چه حقیقت و روح اعتکاف عبارت از خالی کردن دل به هدف جا دادن محبت خدا در آن و اشتغال به دوستی دین است، و به این ترتیب انس والفت انسان از همه مخلوقات بریده می شود و تنها به پروردگار بزرگ وابسته می گردد. اعتکاف به همین منظور، در بهترین روزهای رمضان یعنی دههٔ اخیر آن سنت قرار داده شده است.

از عایشه رضی الله عنها روایت است که "نبی اکرم صلی الله علیه و سلم تا زمان وفات خود، در ده روز اخیر رمضان اعتکاف می کرد و پس از وی زن های آنحضرت نیز معتکف می شدند".

برماست که از این فرصت نیکو بهره بگیریم و در روزها و شب های رمضان به ویژه در شب های دههٔ سوم آن به اعتکاف وشب زنده داری و عبادت بپردازیم.

پرهیز از گناه ها و نواهی

چیزی که توجه به آن مهم است، این است که شخص مؤمن باید زبان خود را در هر زمان مخصوصاً در ماه رمضان از غیبت نگه دارد، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: "کسی که سخن زور و عمل به آن را ترک نکند، خدا به او نیازی ندارد که از خوردنی و نوشیدنی پرهیز نماید".

در این حدیث که "خدا نیازی به ترک خوردن و نوشیدن او ندارد" هدف آن نیست که روزه دار روزهٔ خود را بخورد، هدف این است که از زور گویی و دروغ و سخنان بی هوده وغیبت بپرهیزد، در غیر آن خداوند متعال روزهٔ آمیخته با دروغ و زور گویی را نمی پذیرد؛ چه فلسفهٔ مشروعیت روزه تقاضا می کند که شهوت و خواسته های پست نفسانی سرکوب و خورد کرده شود، و در صورت تداوم بر دروغ و غیبت و سخن چینی، هدف مشروعیت روزه بر آورده نخواهد شد، و به همین خاطر است پیغمبر هدایت می دهد که " اگر روزه دار را کسی دشنام می دهد و یا به مقاتله فرامی خواند، بایست بگوید، من روزه دارم، سوگند به ذاتی که نفس محمد به دست قدرت او است، هر آیینه بوی دهن روزه دار، به نزد پروردگار، پاکیزه تر از بوی مشک است".

مسلمان برای خود باید برنامه بسازد

انسان مؤمن در زندگی باید برنامه و تقسیم اوقات داشته باشد، تا از لحظات گرانبهای عمر بهرهٔ مثبت بگیرد، به ویژه در رمضان بایستی به این امر توجه بیشتر مبذول شود؛ ساعتی به تلاوت قرآن، ساعتی به قرائت اذکار و دعاهای مأثور صبح و شام، ساعاتی برای مراجعه و تکرار دروس، وساعاتی دیگر برای مطالعه وکار وعبادت و ... باید اختصاص داده شود. و بایسته است که این برنامه در حد تعادل وبه دور از افراط و تفریط عیار گردد.

به امید قبول طاعات و عبادات همهٔ ما

نخستین انتخابات اشتراک گستردهٔ مردم ...

پس از آغاز انتخابات از چند مرکز رأی دهی به گوش رسید ومردم گفتند که رنگ نشانی رأی دادگان از انگشت آنان پاک می شود. رنگ کردن انگشت رأی دهندگان به خاطری انجام می گرفت تا از چند بار رأی دادن اشخاصی که چند کارت گرفته اند جلوگیری صورت بگیرد. این موضوع سبب شد تا پانزده تن از نامزدهای ریاست جمهوری در منزل آقای عبدالستار سیرت یکی از نامزدهای ریاست جمهوری گردهم بیایند و در واکنش به این موضوع و برخی دیگر از تخطی ها در انتخابات موضع بگیرند. آنها طی اعلامیه یی خواهان توقف جریان انتخابات و بطلان نتایج آن شدند. کاندیداها در نشست بعد از ظهر همان روز اعلام کردند که نتایج این انتخابات را غیر قانونی می دانند. آنها اظهار داشتند که دولت تعیین شده براساس این انتخابات غیر مشروع خواهد بود. آقای عبدالستار سیرت که سخنگوی این جلسات بود ضمن طرح مشکل رنگ انگشت موارد دیگری را نیز به انتقاد گرفت و گفت که صدها هزار کارت رأی دهی جعلی منتشر شده و به صندوق های رأی برای برنده شدن کاندیدایی خاص انداخته شده است منظور آنان از آن کاندیدای خاص آقای کرزی بوده است. آقای سیرت همچنان از دستگیری شماری از اتباع خارجی که به خاطر رأی دادن وارد افغانستان شده بودند، یاد آوری نمود. وی در ادامهٔ سخنانش تأکید نمود که از سوی برخی از نیروهای داخلی و خارجی بر مردم فشار وارد شده است که به آقای کرزی رأی دهند. او در قسمتی از سخنانش گفت: این کاندیداها خواهان برگزاری دوبارهٔ انتخابات هستند و به دلیل این تقلب ها و تخلفات روز برگزاری انتخابات را در افغانستان یک روز سیاه می خوانند.

سپس دفتر مشترک تنظیم انتخابات و سازمان ملل متحد که بر روند انتخابات نظارت داشتند این تحریم نامزدها را رد کردند و آن را غیر قانونی خواندند.

دفتر مشترک تنظیم انتخابات اعلان کرد که تعلیق انتخابات در این مرحله ضربه یی سخت بر حقوق رأی دهندگان وارد خواهد نمود.

بعداً محمد یونس قانونی نامزد ریاست جمهوری از دفتر مشترک تنظیم انتخابات و سازمان ملل متحد خواست تا انتخابات را در ولایاتی مانند بدخشان وپنجشیر و نورستان که در آنجاها باریدن برف مانع روند رأی گیری شده است، از سر گیرند.

و اما آقای محقق در یک کنفرانس خبری به روز یک شنبه گفت که او هنوز به این نتیجه نرسیده است که انتخابات را غیر مشروع اعلام نماید. وی افزود: من خواهان تشکیل کمیسیونی هستم که تخلفات در انتخابات را مورد بررسی قرار دهد.

مانویل دی سلوا سخنگوی دفتر سازمان ملل متحد در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: وظیفهٔ بررسی شکایت کاندیداها بر عهدهٔ دفتر مشترک تنظیم انتخابات است، یوناما و سازمان ملل متحد در این قضیه بی طرف می باشند. آقای مانویل علاوه کرد: کاندیداهای معترض می توانند با دفتر مشترک تنظیم انتخابات در تماس شوند.

قرار آخرین گزارش ها انتقاداتی که از جانب کاندیداهای ریاست جمهوری مطرح شده است توسط کمیسیون سه عضویی که از جانب سازمان ملل متحد تشکیل شده است مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفته می شود که سه تن از کاندیداهای ریاست جمهوری، آقایان محمد یونس قانونی، حاجی محمد محقق و دکتر غلام فاروق نجرابی اعتراض نامه های خویش را مبنی بر استعمال رنگ های نادرست جهت نشانی انگشت رأی دهندگان، پخش اوراق غیر قانونی رأی دهی و رأی دادن شهروندان خارجی، به این دفتر تسلیم نموده اند.

همایون شاه آصفی یکی از کاندیداهای معترض گفته است که به نظر آنها احتمال دارد دفتر مشترک تنظیم انتخابات در تقلب کاری ها خود دست داشته باشد و از همین رو نخواسته اند اعتراض نامه های شان را به این دفتر بسپارند. در آخرین نشست کاندیداهای معترض که به روز سه شنبه در منزل آقای عبدالستار سیرت انجام شد، آنان به این توافق رسیدند که باید نخست کمیسیون داور متشکل از کارشناسان بیرونی شکایت های آنان را مورد بررسی قرار دهد و سپس شمارش آراء آغاز شود و نه چنان که دفتر مشترک انتخابات و یوناما گفته است این دو کار همزمان صورت پذیرد.

به هر حال در موضع کاندیداهای رقیب آقای کرزی از روز اجرای انتخابات تا کنون یک چرخش بسیار کلان دیده می شود که از تحریم نتایج انتخابات و روز سیاه خواندن زمان اجرای آن به این موضع بررسی شکایات توسط کمیسیون داور رسیده است.

ملکیار

انتخابات هجدهم میزان

از دیدگاه شهروندان ...


عبدالستار


سید فیروز


سید مقصود


حمد فواد


سید نعمت الله

سید مقصود باشندهٔ ناحیهٔ هفتم شهر کابل می گوید: من رأی خود را به کسی دادم که به نظر من می تواند افغانستان را آباد نماید.

او گفت: در کشوری فقیر مثل افغانستان که برای بار اول انتخابات آزاد را به تجربه می گیرد، به دور از انصاف خواهد بود که این روندرا کاملاً عادلانه ودور از کمی وکاستی فکر کنیم. اودر انتقاد از مسؤولان انتخابات گفت: به همه معلوم است که عده یی از مردم چندین کارت رأی دهی اخذ نموده اند. موضوع اصلی نبودن رنگی که برای نشانی کردن شصت رأی دهندگان به کار می رفت قابل انتقاد است واین خود زمینه را برای اشخاص نا متعهد مساعد می سازد تا چند بار رأی دهند.

او علاوه کرد: این موضوع تخطی دست اندرکاران دفتر انتخابات را نشان می دهد که به جای رنگ اصلی رنگ های نادرست وغیر مؤثر را تهیه نمودند.

حشمت الله باشندهٔ شهر کابل که پیشهٔ معماری دارد گفت: من به کسی رأی دادم که او مسلمان است ومی تواند به وطن خدمت کند ویقین دارم که اگر کاندیدای مورد نظر من پیروز شود، می تواند افغانستان را به سطح کشور های همسایه برساند و وحدت ملی را برقرار نماید.

او از روند انتخابات خوش بود واظهار داشت که من رأی خود را بدون تهدید به شخص مورد نظر خود دادم.

خلیل الرحمن محصل دانشگاه طب ضمن نگرانی از تقلبی بودن رنگها جهت نشانی شصت رأی دهندگان، بر چند مورد دیگر نیز در شیوهٔ انتخابات انتقاد کرد وگفت: در بسیاری ا زمناطق کشور، کارت های تقلبی پخش شده است که تعدادی از دارندگان آن نیز دستگیرشده اند. همچنان در برخی حوزه های انتخابات تهدیداتی از جانب زور مندان وجود داشته است که به رأی دهندگان فشار وارد نموده اند تا به شخص مورد نظر آنان رأی دهند.

آقای خلیل علاوه نمود: کاندیداها بعد از پی بردن خلاف کاری ها در روند انتخابات این پروسه را در حوالی قبل از ظهر تحریم کردند ولی این موضوع از طریق وسایل اطلاعات جمعی در ساعت ۵ عصر اعلام شد. یعنی به این تحریم نیز اهمیت چندانی داده نشد. این خود واضح می سازد که انتخابات به نفع یک شخص بوده است نه به سود دیگران و ملت.

دکتر حیات الله انتخابات را از دو زاویه می بیند و می گوید:

چون این اولین انتخابات در افغانستان می باشد لذا زیادتر از این نباید از آن توقع داشت. اما این پروسه خلاهایی را نیز در بردارد. او از یک واقعهٔ چشم دید خود حکایت کرد و گفت: من در همسایگی خود پسری را می شناسم که در حدود شانزده سال دارد و زیادتر از هفت کارت رأی دهی گرفته است او با وجودی که سن قانونی رأی دهی را تکمیل نکرده، از همه کارت های خود در انتخابات استفاده کرده و هیچ کسی از مسؤولان مانع وی نگردیده اند که این خود ضعف مدیریت مسؤولان انتخابات را نشان می دهد.

دکتر خالد نظرش را در بارهٔ انتخابات چنین بیان می نماید:

چون اکثریت مردم افغانستان کارت هویت ندارند بناء دفتر انتخابات به جای این که کارت های انتخابات را به مردم توزیع کند باید به همکاری وزارت داخله وسایر ارگان های مسؤول کارت هویت را توزیع می کرد تا از یک طرف از بودجهٔ گزافی که در این راه به مصرف رسید، جلوگیری به عمل می آمد و از جهت دیگر مردم می توانستند از کارت هویت خویش بهره مند شوند این روند می توانست از چند بار رأی دادن یک شخص و سایر خلاهای ایجاد شده در انتخابات نیز جلوگیری نماید.

سید فیروز دریور که تازه از ایران به وطن برگشته است شیوهٔ انتخابات را عادلانه خواند وگفت: انتخابات کاملاً عادلانه بود وما توانستیم دریک فضای سالم به شخص مورد نظر خود رأی دهیم. او علاوه کرد: چون خود مهاجر بودم ودرد مردمی را که به دور از وطن به سر می برند می دانم. خواهش ما ا زبرندهٔ انتخابات این است تا به مهاجران توجه جدی نماید وشرایط عودت آنها را به وطن مساعد سازد.

او گفت: ما از رئیس جمهور آیندهٔ افغانستان می خواهیم که زمینهٔ کار را برای همه مردم این کشور مساعد سازد احمد فواد که درپاکستان زندگی می کرده از مسؤولان ثبت نام انتخابات شکایت کرد وگفت:

زمانی که به وطن برگشتم مراکز ثبت نام در افغانستان مسدود شده بود به همین جهت از رأی دهی محروم ماندم وبسیار متأثر هستم که د رانتخاب کشور خود سهم گرفته نتوانستم.

حشمت الله که به شخص مورد نظر خود رأی داده بود وبسیار خرسند به نظر می رسید گفت: یقیناً این انتخابات انعکاس دهندهٔ دموکراسی وعدالت است وباور دارم که زعیم ملت کسی است که پشتوانهٔ مردمی را با خود خواهد داشت. او اظهار کرد که با وجود کمبود هایی که در روند انتخابات وجود داشت اما باز هم تاحدی مورد قبول مردم واقع خواهد شد.

عبدالستارکه پیشهٔ سنگ کنی دارد در مورد آیندهٔ کشور امیدوار نیست . او می گوید:

در تاریخ افغانستان هیچ حکومتی به نفع مردم این کشور نبوده وهمیشه مردم ما سرکوب شده اند به خصوص به مردم فقیر هیچ کسی توجه ندارد.

او در مورد انتخابات گفت: جامعهٔ جهانی تمام امکانات را دردست داشت که باید برای برگزاری عادلانهٔ انتخابات انجام می داد. اما در این انتخابات تقلب صورت گرفت مسؤولان انتخابات هم توجهی نکردند.

او اظهار کرد: من چندین شخص را می شناسم که بیشتر از دوبار را ی داده اند و این زمینه را برای آنان مسؤولان انتخابات مساعد ساخته اند همچنان باید گفت که در اکثر نقاط کشور در انتخابات از جبر کار گرفته شده وبه مردم تأکید شده است که به فلان شخص رأی دهید.

نعمت الله از انتخابات بسیار خوش است و می گوید: من بعد از سقوط طالبان هیچ گاهی تهدید نشده ام واززندگی خود راضی می باشم بناء من به کسی رأی دادم که زمینهٔ این آرامش را مهیا ساخته است. وقتی از او پرسیده شد که شیوهٔ انتخابات را چگونه بررسی کردید گفت: در هیچ دنیایی انتخابات بدون نواقص نمی باشد چه رسد به کشور ما که از همه کشور های دیگرعقب مانده است بناء نقایص موجود را نباید مهم جلوه داد.

نظام

حکومت پس از انتخابات ...

ما در آیندهٔ کشور خود با این چالش ها و این گونه سوالات و گفتمان ها سروکار داریم:

- آیا دموکراسی فقط شیوهٔ حکومت کردن است؟
- آیا پذیرفتن دموکراسی بدون التزام به انسان گرایی ممکن است؟
- آیا اسلام از نظر ماهوی یک دین سیاسی است؟
- آیا مدرنیته غیر غربی نیز وجود دارد؟

راه وروش مدرن شدن افغانستان کدام است؟

این گونه سؤالات را به خاطری طرح نمودم که شور وشوق به این قبیل مسائل در جامعه در حال افزایش است. در جامعهٔ پس از انتخابات این طرح ها جدی است، نه به این خاطر که چند نفر نخبهٔ فرهنگی در این جامعه پیدا شده اند و چنین سؤالات را مطرح می کنند یکی از روشنفکران غربی می گوید:

ما باید بیش از توانایی در مطرح کردن پاسخ به یک پرسش، هنر طرح سؤال را "داشته باشیم". امروز ما می بینیم که جامعهٔ ما هنر "طرح سؤال" را پیدا کرده است، امروز مردم ما به این پختگی رسیده اند که بگویند بهترین روش تحول سیاسی در جامعه انقلاب نیست، بلکه رفرم و اصلاحات تدریجی است. این تحول و دیگر گونی گفتمان ثمره های بلوغ فکری جامعه است. محور مسائل اساسی در

افغانستان آینده مسألهٔ مدرنیته و فرایند بازسازی است. تا وقتی که تکلیف ما با تجدد و تجدد طلبی و سنت روشن نشود چنین دشواری ها را خواهیم داشت. بعد از ادارهٔ مؤقت و انتقالی در افغانستان لایه های مختلف این کشور آزادی های تازه یی دست یافتند، تحرک اجتماعی بر اساس مشاغل امکان پذیر گشت. دانش و تخصص راه خود را تا جایی به دفاتر دولت و عرصهٔ بازسازی باز کرد. اعتقاد به دموکراسی و آزادی و مشارکت مردم در امور مطرح بحث قرار گرفت.

مردم از حکومت پس از انتخابات ۱۸ میزان حرکت به سوی مدرنیزاسیون در زمینهٔ سیاسی (ایجاد نظام پارلمان - مردم سالاری - تلاش در جهت تحقق دموکراسی). در زمینهٔ اقتصادی (ارتباط و تعامل با بازار های جهانی به ایجاد شیوه های تازه در تولید و مصرف) . در زمینهٔ فرهنگی (پذیرش ارتباط با فرهنگ های دیگر) را در پیش گرفته اند مردم این گونه تغییرات و عملکردها را از حکومت آیندهٔ خود می خواهند و اجرای وظایف، یک نوع تغییرات گسترده در نهاد ها، ارزش ها، افکار وروش ها را سبب می گردد و راز فضای پرتپش آیندهٔ جامعه ما را می سازد. دولت آیندهٔ افغانستان باید شجاعانه به سراغ این قضایا بشتابد و راه حل این قضایا همانا مدرنیزاسیون در اشکال نوسازی در پیوند با فرهنگ وسنت های اصالتمند جامعهٔ ماست که موجب تکوین وتاسیس شکل هایی جدید از ساخت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می گردد و در نتیجه رفتار ها، اندیشه ها وخواست های تازه را موجب می شود.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارکان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان.

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست وهفتم | چهارشنبه ۲۲ میزان ۱۳۸۳ | ۲۹ شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 13 October 2004

له راتلونکي ولسمشر څخه دملت ...

فرهنګي غربي ارزښتونه او داسې دودونه رواج پیدا کړي چې هغه زموږ د ټولنې بچیان، زموږ ځوان قشر او زموږ راتلونکي نسلونه بې لارې کړي موږ هر هغه څه چې زموږ د ملي فرهنګ، زموږ د افغاني اخلاقو او زموږ د پاکو عقیدو سره ضدیت ولري، هغوته دخپلې ټولنې دفرهنګ په پاکه لمنه کې ځای نه شوي ورکولای. موږ بیګانه پرسته نه یوو موږ ځانته پنځه زره کلن تاریخي هویت. اوچت اخلاق او ملي افغاني دودونه لرو چې باید په راتلونکي وخت کې ئې هم ولرو، پرمختیا ورکړو او سوچه ئې وساتو

همدارنګه زموږ خلک له راتلونکي جمهور رئیس څخه غواړي چې زموږ هیواد ته سوله او ثبات راوړي. سوله او ثبات بیا هغه وخت تر لاسه کیدای شي چې زموږ ولسمشر له هر ډول قومي، سیمه ییز، نژادي او مذهبي توپیر پرته دهیواد ټولو سره ورونو قومونو ته په یوه، حق درنه او قدرمنه سترګه وګوري دهیواد په شمال او جنوب، ختیځ او لویدیځ کې اندولیزه پرمختیا منځ ته راوړي ټولوته یو ډول امتیازات ورکړي او ټول د قانون او نظام په وړاندې مسئول وبولي. دغوي کنده همکاري جلب کړي او نه دولتي پستونو باندې د همغوي

دګمارلو په وخت کې ضوابطو ته ترجیح ورکړي نه روابطو او دخپلوي او قوملي اړیکوته

زموږ هیله داده چې راتلونکي مشر باید ښوونې او روزنې، روغتیا او چاپیریال ساتنې ته کلکه پاملرنه وکړي او ځرنګه چې زموږ هیواد یو زراعتي هیواد دی باید د کرکیلې دعصري کیدو او ماشیني کیدو لپاره هڅه وکړي، د کروند ګرو لپاره د کوپراتیفو، د اوبو دبندونو، مصنوعي سرې، اصلاح شوي تخم په برخه کې مرستې برابرې کړي، تولیدي سطحه لوړه بوځي او مخدره موادو کرکیله په ټپه ودروي او له قاچاق ورونکو سره ئې قانوني چلند وکړي.

راتلونکي جمهور رئیس باید د اولس د بې روزګارۍ د پای ته رسولو له پاره اقتصادي زیر بنائي پروژې، صنعتي فابریکې، د برېښنا بندونه او دکانونو را ایستنه تر لاس لاندې ونیسي او په دې برخه کې د نړیوال بانک د آسیا د پرمختیائي بانک له پوروڼو او همدارنګه د دوستو هیوادو له تخنیکي او مالي مرستو څخه کټه واخلي ترڅو زموږ په ملیونونو بې روزګاره خلک په رغنده او کټورو کارونو کې مصروف شي او له دې لارې هم حلاله ډوډۍ پیدا کړي او هم هیواد ودان کړي.

ولسمشر باید کار اهل کارته وسپاري او هر ډول اداري فساد، بډو، درغلیو، سازشونو، اختلاس او خیانت مخه ونیسي، د دولتي کارمندانو د "بخور نه میر" معاش په برخه کې غور وکړي او دورځي د اړتیاو له مخې ورته مناسب معاش و ټاکل شي

ولسمشر باید اساسي قانون په جدیت سره تطبیق کړي، مرکزي واک پیاوړي کړي او په ولایتونو کې داسي امین او صادق کسان وګماري چې هغوي دکورنیو منابعو ټول عایدات مرکزي دولت ته واستوي او دهر ډول ناوړه استفادې مخنیوي وکړي. لنډه داچې ولسمشر باید ځان د ملت په وړاندې مسئول او دملت دخلکو خدمتګار وبولي، حسابونه ئې شفاف وي او ملت ته جواب ورکولوته تل چمتو اوسي. دهیواد، خمکنۍ بشپړتیا او خپلواکۍ په وړاندې وفادار او مسئول وي او دملت د ځوریدلو خلکو د آرامۍ او سوکالۍ ژور فکر ورسره ملګري وي
پامیر

به پیشواز ماه خدا

سید ناصر تقدسی

رمضان نماد استقامت وخدا ترسی

در ایــن روزهــا امــت اســلامی وارد خطرناک ترین مرحلـه از تـاریخ خـود شده اسـت . بسـا از ملـت هـای مسـلمان در چنگال دیو استعمار واستبداد فرورفتـه انـد وبسـیاری دیگـر، از ناحیـهٔ فقـر ونـاداری رنـج مـی برنـد. در یـک چنـین حالـت رمضـان بـا برکـت ومـاه خـدا از راه مـی رسـد، مـاهی کـه سـراپا آگـاهی واحسـاس مسـؤولیت در برابـر یکـدیگر ومـاه تضـرع وبـاز گشـت بـه سـوی خداسـت، چـه زیبـا است که در آستانهٔ ایـن مـاه گرامـی دسـت دعـا بـه بارگـاه الهـی بلنـد کنـیم واز او بخواهیم که امـت ومنـت مـا را از وضـعیت نکبت بار کنونی بیـرون کنـد وبـه راه رشـد هدایتش فرمایاد!

خوانندهٔ عزیـز! یـک و یـا دو روز بیشـتر به فرارسیدن رمضـان؛ ایـن مهمـان عزیـز نمانده است، و مـا بایسـت از خـود بپرسـیم که برای استقبال ایـن مهمـان گرامـی تـر از جان، آیا آمادگی داریم ؟

نسـل تربیـت یافتـهٔ دسـت پیـامبر ونسـل تـابعین وتبـع تـابعین همـواره از خدا می خواستند کـه رمضـان زودتـر فـرا برسد وماه ها پیش از آمـدن ایـن مـاه بـه پـذیرایی آن آمـاده مـی شـدند. فضـیلت ایـن مـاه چیسـت و چرایـاران پیغمبـر بـه ایـن مـاه بـیش از حـد اهتمـام مـی ورزیدند؟

فضیلت رمضان

پروردگـار مـی فرمایـد: «مـاه رمضـان ماهی است کـه قـرآن کـریم بـه عنـوان رهنمای مـردم، در آن فـرو فرسـتاده شـده اسـت ...». از لحـاظ فضـیلت وشـرف بـه ایـن مـاه همـین بـس اسـت کـه خداونـد نـزول مجمـوعی قـرآن را در آن انجـام داده اسـت و از همـین رو خـدای بـزرگ روزهٔ آن را بر ما فرض گردانیـده اسـت تـا در برابـر ایـن نعمـت عظـیم شـکرانه یـی ادا کرده باشیم.

رمضـان مـاه روزه، تـراویح، تـلاوت قـرآن، بخشـش و مغفـرت اسـت، مـاهی است که در آن نیکی هـا افـزایش و بـدی ها کـاهش مـی یابـد و دعاهـای خالصـانهٔ بنـدگان الهـی بـه مرحلـهٔ اسـتجابت مـی رسد، و روزهٔ آن زمینـه هـای خـدا ترسـی و تقـوا را فـراهم مـی کنـد، چنـان کـه خداوند می فرماید:
ص ۶

حکومت پس از انتخابات و چالش های جدید

عبدالعلی کوهی / استاد فاکولتهٔ ادبیات دانشگاه کابل

شکی وجود ندارد که امروز جامعهٔ ما به سوی سیاسی شدن در حرکت است، ولی از احزاب قدرت مند و کار آمد که بازیگران اصلی عرصهٔ سیاست اند خبری نیست

یکـی از تـاریخ نگـاران هنـدی گفتـه اسـت: "چگونـه تـاریخ را بایـد از دسـت سیاسـت نجـات داد؟" مفهوم ایـن سـخنان ایـن اسـت کـه تـاریخ نگاری سیاسـت و سیاسـت مـآبی چیـزی نیسـت کـه مانـد گـار باشـد. گفتـه انـد کـه ابوالفضل بیهقـی در داوری هـای خـویش و بیـان واقعیـت حـق مطلـب را در نظـر داشـته و از هرگونـه قضـاوت هـای نـا صـواب ومصـلحت هـای سیاسـی حاکمـان وقـت دوری گزیـده اسـت. بایـد بپـذیریم کـه نیروهـا و طبقـات مختلـف اجتمـاعی ماننـد جوانـان ، زنـان، کـارگران، روشـنفکران، کارمنـدان، نویسـندگان و نظامیـان در شـکل گیـری حکومـت پـس از ۱۱ سـپتامبر نقش داشته اند.

ایـن نیروهـا و ایـن طیـف هـا همـه طرفـدار تغییـر نظـام طالبـانی در کشـور بودنـد. وجـود نیروهای خارجی در عـراق تمـام لایـه هـای ایـن کشـور را در برابـر ایـن نیروهـا متحـد سـاخته اسـت و در افغانسـتان قضـیه بـر عکـس اسـت، عامـل اصـلی ۱۱ سـپتامبر طالبـان والقاعـده شناخته شدند و نیروهای بین المللـی یـک جـا بـا نیروهـای ملـی و مقاومـت در جهـت سـرکوب تروریسم بـین المللـی در افغانسـتان نقـش بـازی کردند. بستر جامعـه آمـادگی بـا چنـین مقابلـه را داشـته اسـت کـه در نتیجـه حاکمیـت طالبـانی از میـان رفـت و افغانسـتان وارد گفتمـان جدیـد سیاسـی و رونـد دموکراسـی گردیـد. نبایـد همـه دسـت آوردهـا را بـه نـام یـازدهٔ سـپتامبر خاتمـه داد. امـروز فصـلی تـازه در حیـات سیاسـی کشـور بـه وجـود آمـده و مشـارکت کلیـه اقـوام را در تحکـیم نظـام سیاسـی بـه منظـور تثبیـت دموکراسی مهیا ساخته است. ایـن یـک فرصـت استثنایی در حکومـت انتخـابی کشـور اسـت کـه بایـد طـرح نـو در مملکـت ایجـاد گـردد و در محور منـافع ملـی ، رفـاه و توسـعه گـام برداشـته شود.

در افغانستان در طـی دوسـال وانـدی بـا چنـان حکومتی سـروکار داشـته ایـم کـه اعضـای آن از یک بدنهٔ متضاد تشکیل یافتـه بـود. محـور هـای مختلـف قـدرت در داخـل کابینـه وجـود داشـته است که هر کدام بـا چـالش هـایی نـو روبـه رو بودنـد و ایـن کابینـه، جـواب هـای آمـاده بـرای معضـلات ومشـکلات اجتمـاعی خـود نداشـته اسـت. ایـن حکومـت نـه تنهـا سیاسـت زده بـود بل همه چیز نزد آنهـا سیاسـی بـود. همـین گونـه حکومت قبـل از حادثـهٔ ۷ ثـور ۱۳۵۷ هــ تـاریخ زده و فاقـد پویـایی بـوده اسـت. طـوری کـه در ایـن حکومـت احـزاب شـناخته شـدهٔ قـانونی ومـؤثر وجـود نداشـت. شـکی وجـود نـدارد کـه امـروز جامعـهٔ مـا بـه سـوی سیاسـی شـدن در حرکت است، ولـی از احـزاب قـدرت منـد و کـار آمد که بـازیگران اصـلی عرصـهٔ سیاسـتند خبـری نیست. بعضی از این احزاب یـک شـبه بـه وجـود آمـده انـد و از بـی برنـامگی خـویش رنـج مـی برنـد. اکثریـت ایـن احـزاب دارای برنامـه یـی واحدند، بیشتر شان یـک شـعار مـی دهنـد چـون: غرب، اروپـا ، دموکراسـی ، جنـگ سـالار وغیـره، بعضـی از ایـن احـزاب حضـور شـان در زمـان انتخابـات اسـت و پـس از آن از فعالیـت هـای سیاسـی غایـب خواهنـد شـد. بـر عـلاوه اهـداف نیروهـا و عملکـرد احـزاب کـاملاً آشـکار نیسـت و در پاره یی مواقـع، احـزاب بـه صـورت دوره هـا و محافـل خـاص و محـل تجمـع دوسـتان و افراد یـک خـانواده در آمـده و از کـار بـرد شـیوه هـای احـزاب واقعـی بـه دورنـد. در جنـب ایـن کمبود، چیزی دیگـر کـه هـم اکنـون در کشـور جریـان دارد، یـک نـوع فرهنـگ التقـاطی اسـت کـه آن مخلـوطی از میـراث غربـی و تفکـر اسلامی اسـت. از یـک طـرف در قـانون اساسـی بر حفظ میراث هـای اسـلامی تأکیـد شـده اسـت و از سوی دیگر از سیسـتم لائیـک وسـکولار در نشسـت هـای نخبگـان سـخن گفتـه مـی شـود. این تضاد و پـا را دوکـس هـای جامعـهٔ ماسـت و بـه همـین گونـه، شـعار هـای جـدایی دیـن از حکومـت و شخصـی بـودن ایمـان وپلورالیسـم سیاسـی از چالشـهای عمـدهٔ جامعـه در آینـده است.
ص ۷